رشد زاعه نشینی شهرهای بزرگ را تهدید می کند

گزارش سازمان اسکان ملل متحد هفته گذشته انتشار یافت‏ و با ارایه ارقامی تکان دهنده از افزایش جمعیت بی‏خانمان‏ها و ساکنین محله‏های آلوده و کثیف شهری هشدار قابل توجهی را به‏ همه شهرهای بزرگ جهان داد.افزایش جمعیت شهری در واقع به‏ «انقلاب نوین شهری»تعبیر شده و باعث شده که در خلال چند دهه اخیر،شهرها رشد بسیار انغجار آمیزی داشته باشند و جمعیت‏ ساکن محله‏های کثیف و پرجمعیت به بیش از 900 میلیون نفر افزایش یابد.پیش‏بینی شده که در 30 سال آینده،بر جمعیت ساکن‏ محله‏های آلوده،78 میلیارد نفر دیگر افزوده شود.

طبق آمارهای این گزارش،550 میلیون نفر در آسیا،187 میلیون‏ نفر در آفریقا،128 میلیون نفر در آمریکای لاتین و کارائیت و 51 میلیون نفر در 30 کشور ثروتمند جهان در محله‏های کثیف، پرجمعیت و آلوده زندگی می‏کنند.گزارش مذکور حاکی از آن است‏ که تنها در دهه 1990 معادل 36 درصد پرجمعیت شهری جهان‏ افزوده شده است.پیش‏بینی می‏شود که با تحولات اقتصادی و سیاسی که در حال اتفاق است بیشتر افزایش جمعیت در آینده در شهرهای بین یک الی پنج میلیون نفر اتفاق افتد.این گزارش وضعیت‏ گزارش سازمان اسکان ملل متحد از افزایش تکان دهنده جمعیت محله‏های فقیر نشین شهری‏

رشد زاغه‏نشینی‏ شهرهای بزرگ را تهدید می‏کند

در شهرهایی مانند داکا در بنگلادش،بسیاری‏ از مردم در محله‏های‏ فقیرنشین پرجمعیت و کثیف و یعضی در کپرهای‏ حاشیه شهر در کنار زباله‏ها زندگی می‏کنند

100 کشور جهان و بویژه 27 شهر بزرگ جهان را از کشورهای در حال‏ توسعه،فقیر و توسعه یافته مورد بررسی قرار داده است.در مورد علت افزایش فقیرنشینی،نویسندگان گزارشی که مرکب از اساتید دانشگاه و مشاوران حرفه‏ای هستند تحلیلی ارایه کرده‏اند که در آن‏ دو علت را از همه مهمتر دانسته‏اند:علت اول ناکار آمدی‏ مدیریت(دولت و شهر)و فساد جاری در آن،و علت دوم،آثار منفی‏ ناشی از جهان شدن؛که این خود از عوامل افزایش انفجاری جمعیت‏ شهری است.طبق تحلیل این گزارش،اصل«آزادی رفت و آمد» کاهش تعرفه‏های تجاری،آزادسازی،و خصوصی سازی که همگی‏ از نمادهای جهانی شدن هستند از سوی صندوق بین المللی پول بر برخی کشورها(بدون آن که آمادگی کافی داشته باشند)تحمیل شده‏ و به پیامدهای منفی انجامیده است.

گزارش مدعی است گرچه همه بار گناه را نمی‏توان بر جهانی شدن‏ گذاشت و نباید فراموش کرد که جهانی شدن،فرصت‏های توسعه‏ مناسبی را برای کشورها به وجود آورده،ولی لااقل جهانی شدن موجب‏ شده تا مشکلات سریعتر به وجود آمده و یا تشدید گردد.

از نظر اقتصادی،دهه گذشته شاهد بیشترین«خلق ثروت»و نیز بیشترین رشد جمعیت شهری بوده است.اما در عین حال آمار نشان می‏دهد که در مجموع،کشورهای ثروتمند،ثروتمندتر و کشورهای فقیر،فقیرتر شده‏اند.این در حالی است که برخی‏ کشورهای در حالی توسعه توانسته‏اند از رشد و موفقعیت بهتری‏ برخوردار شوند.استدلال نویسندگان گزارش این است که امتیازات‏ و فوایدی که از جهانی شدن عاید جمعیت فقیرنشین شهرها شده‏ به مراتب کمتر از آثار منفی و مخرب آن بوده است.فقیرنشینان‏ شهری که اغلب از روستانشینان قبلی بودند به سادگی شغل خود را از دست می‏دهند،زمین‏های آنان به وسیله مجتمع‏های صنعتی‏ و کشاورزی گرفته می‏شود و در عین حال به خاطر خصوصی‏ شدن زیربناها مجبورند بهای بیشتری برای خدمات اساسی شهری‏ و بهداشتی بپردازند.به همین دلیل وجود و افزایش چنین جمعیتی‏ موجب ایجاد ناهنجاری‏های اجتماعی می‏گردد.

 در شهرهایی مانند داکا در بنگلادش،بسیاری از مردم در محله‏های فقیرنشین پرجمعیت و کثیف و بعضی در کپرهای‏ حاشیه شهر در کنار زباله‏ها زندگی می‏کنند.در علت‏یابی موضوع‏ در مورد داکا گفته شده که لغو حمایت‏های تجاری از پنبه و برنج‏ باعث شد که کاشت این محصولات صرفه اقتصادی خود را از دست بدهد.دست اندازی کمپانی‏های بزرگ میگو که به صورت‏ صنعتی به پرورش آن مشغولند نیز موجب از دست رفتن شغل‏ برخی از روستاییان بنگلادش گردید.همه این عوامل موجب‏ جابه‏جا شدن و سرازیر شدن عده کثیری از روستاییان به شهرها شد.

در کره‏جنوبی زمانی که با کاهش تعرفه‏ها،برنج و مواد غذایی‏ آمریکایی به بازارهای این کشور سرازیر شد،جابه‏جایی جمعیت‏ صورت گرفت.در مکزیک،سنگال،و غنا،صیادان کوچک که‏ قادر به رقابت با شرکت‏های بزرگ صید صنعتی نبودند،محل‏ سکونت خود را ترک کردند و به شهرهای رو آوردند.در بورکینافاسو و مالی نیز وضع به همین صورت ارزیابی شده است.

نکته جالبی که در گزارش آمده این است که روستاییان همیشه‏ به خاطر از دست دادن شغل و یا زمین خود و یا عدم توانایی رقابت‏ و کاهش سود جابه‏جا نمی‏شوند بلکه اغلب با خیال پروری از زرق و برق شهرها و در آرزوی یافتن شغلی بسیار خوب و پر در آمد روستای خود را ترک می‏کنند.این خیال پردازی‏ها را رسانه‏ها در تلویزیون‏های جهانی دامن‏زده و می‏زنند.بنابراین اثر رسانه‏ها در ایجاد فضای کاذب را نمی‏توان نادیده انگاشت.

در پاسخ به این سوال که آیا می‏توانیم جلوی جمعیت فقیرنشین‏ و حاشیه نشین را بگیریم،گزارش جواب مثبت می‏دهد.این کار را اروپایی‏ها زمانی که انقلاب صنعتی رخ داد انجام دادند.در زمان‏ انقلاب صنعتی،حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ دنیا از جمله‏ لندن و پاریس افزایش یافت و حدود 150 سال طول کشید تا آنان‏ توانستند این پدیده را از بین ببرند.

حال با توجه به این گزارش،سوال بزرگ این است که شهر تهران در چه وضعی است.بی‏شک تهران نیز از دیگر شهرهای دنیا مستثنی نیست و در دو دهه گذشته جمعیت آن بیش از 300 درصد افزایش یافته است.رشد جمعیت تهران،خطر حاشیه نشینی و فقیرنشینی را افزایش داده است.شیوه برخورد با آن قطعا فیزیکی‏ نیست،بلکه راه‏حل فیزیکی و محدودیت ایجاد کردن،ممکن‏ است عطش درونی شهرنشینی کاذب را افزایش دهد،رانت ایجاد نماید و نتیجه کاملا معکوس بدهد.مجموعه سیاست‏های‏ اقتصادی ملی،بین المللی،اجتماعی و آموزشی از یک‏سو و مدیریت قوی و مناسب شهری از سوی دیگر می‏تواند از مشکل‏ حاشیه نشینی و فقیرنشینی جلوگیری کند.مدیران شهری به هر صورت با مجموعه اصلاحات اقتصادی روبه‏رو هستند که ممکن‏ است عوارض شهری ایجاد کند و لذا باید خود را برای آن آماده‏ کنند و تمهیدات لازم را بیاندیشند.